

بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر وندالیسم (مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز)

اسلام حیدری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی
مهربان پارسامهر، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یزد*

چکیده

هدف: پژوهش حاضر، پیرامون بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم میان دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه دو شهر اهواز انجام شده است. داده‌های این تحقیق با روش پیمایشی از نمونه‌ای با حجم ۳۷۶ نفر جمع‌آوری شد که از جمعیت ۱۷۰۵۶ نفری دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی ناحیه دو شهر اهواز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده بودند. متغیر وابسته (وندالیسم)، به دو شیوه عملیاتی شد و رابطه آن با متغیرهای مستقل، شامل جنسیت دانش‌آموزان، وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان، پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد، ارتباط دانش‌آموز با افراد بزهکار، احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس محرومیت نسبی و احساس انزوای اجتماعی، که برگرفته از نظریات: الف) جامعه‌شناسان کل‌نگر یا همان کلاسیک‌ها (دورکیم و مرتون) و ب) جامعه‌شناسان خردنگر یا معاصر (کوهن، کلووارد و اوهلین و میلر با نظریه خرده‌فرهنگ؛ ساترلند با نظریه یادگیری افتراقی؛ سیمن با نظریه بیگانگی و هیرشی با نظریه کنترل اجتماعی) است؛ فرضیه‌سازی و آزمون شد. ابزارگردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه است. تجزیه و تحلیل یافته‌ها فرضیات تحقیق را تأیید کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که معادله پیش‌بینی شدت گرایش به رفتار وندالیستی می‌تواند، ۰/۴۰۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. پس مدل پژوهش، توانسته است با استفاده از هفت متغیر وضعیت تحصیلی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارتباط با افراد بزهکار، احساس بی‌قدرتی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی و احساس بی‌هنجاری، ۰/۴۰۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی کند، بنابراین، می‌توان گفت از قدرت پیش‌بینی خوبی برخوردار است.

واژه‌های کلیدی: مساله اجتماعی - بزه - کجروی اجتماعی - وندالیسم.

مقدمه

وندالیسم^۱ عبارت است از تخریب ارادی اموال و متعلقات عمومی به صورت مداوم و مکرر. در اغلب تعاریف صاحب‌نظران از آن به عنوان رفتاری معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی نام برده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۲). خرابکاری را می‌توان، جزو بزهکاری‌های ملایم به حساب آورد که معمولاً از دید مراجع قضایی قابل اغماض و چشم‌پوشی است (محبی، ۱۳۸۲: ۸). متأسفانه، آمار دقیقی از هزینه‌ها، رفتارها و نمونه‌های رفتارهای وندالیستی در کشورما وجود ندارد. از سویی دیگر، آگاهی و شناخت ناکافی از این پدیده اجتماعی که نتیجه فقر پژوهشی در این زمینه است، باعث شده است که مسؤولان، برنامه‌ریزان آموزشی و متولیان امور اجتماعی، نتوانند از بروز رفتارهای وندالیستی پیشگیری و یا آن را درمان کنند (همان، ۱۳۸۳: ۳۹).

نظر به جوان بودن جمعیت در ایران، انتظار طبیعی این است که چنین موضوعی مورد توجه فراوانی قرار گرفته باشد. در جامعه امروزی ایران با انواع مسایل و آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نظیر آثومی یا نابسامانی اجتماعی، بحران هویت، قانون‌گریزی، پرخاشگری و جنایت، تخریب منابع و آلوده سازی محیط زیست و... سروکار داریم که در مجموع، آینده این کشور را از لحاظ سلامت محیط و احساس امنیت جانی، مالی، تعاملاتی و فکری تهدید می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۲۳). بنابراین، توجه به مسایل اجتماعی نوجوانان و جوانان، بیش از پیش از اهمیت خاصی برخوردار است، ولی تمام اعمال وندالیستی به یک میزان، بر جامعه تأثیر نمی‌گذارد؛ به عبارت دیگر، کیفیت اعمال وندالیستی به یک میزان نیست. این

مسئله در مورد کمیت آن نیز صدق می‌کند. وندالیسم نه تنها به عنوان کجروی و رفتاری بزهکارانه، بلکه به مثابه معضل یا مسأله‌ای اجتماعی در بسیاری از جوامع از سوی صاحب‌نظران و آسیب‌شناسان مطرح شده است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۳۴). هر ساله به امکانات آموزشی مدارس خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌شود و از آن جا که هیچ‌گونه برآورد و محاسبه‌ای در این خصوص صورت نمی‌گیرد؛ به صورت نامحسوس است، بنابراین، شناسایی رفتارهای تخریبی در محیط‌های آموزشی و اقدام پیشگیرانه از بروز این گونه رفتارها، تا حدودی می‌تواند مشکلات مکان‌های آموزشی را مرتفع سازد و از نظر آموزشی محیط‌های سالمی را برای تربیت نوجوانان و نسل آینده به وجود آورد، لذا مطالعه وندالیسم به عنوان یک آسیب‌جدی اجتماعی با توجه به آنکه قشر جوان؛ در سنین تحصیل به خصوص مقطع متوسطه قرار دارند؛ و شناخت عوامل مؤثر بر بروز این گونه رفتارها در بین جوانان می‌تواند بستر مناسبی را برای کاهش این رفتارها را در بین آنان فراهم آورد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تا زمانی که علل و عوامل جرم‌زای اجتماعی شناخته نشود و فقط به محاکمه عمل مجرمانه که اجرای دستورهایی از پیش ساخته است، اکتفا شود، نه فرد بزهکار درمان می‌شود و نه ریشه‌های فساد از جامعه کنده خواهد شد، زیرا محکوم کردن فرد بزهکار، بدون شناخت شخصیت و عوامل جرم‌زای اجتماعی که او را به این سمت سوق داده است، دور از عدالت است (کی‌نیا، ۱۳۷۳: ۶۰ و ۵۹). بنابراین، ریشه‌یابی مسأله وندالیسم و نشان دادن ضرورت برخورد علمی با مسأله فوق می‌تواند سبب گردد تا فرد وندالی به

¹ vandalism

جامعه برگردد (احمدی، ۱۳۷۷:۱۲).

وندالیسم برای بسیاری از افراد جامعه حتی برای اهل فن نیز ناشناخته است. نگاهی به آمار و ارقام بزهکاری ها و جرایم چند ساله اخیر مراکز قضایی ایران، ما را به این واقعیت رهنمون می سازد که بزهکاری و رفتار خرابکارانه در بین نوجوانان، جوانان و دانش آموزان کشور، روند غیر طبیعی و فزاینده ای داشته است که آثار و نتایج آن بر سلامت عمومی جامعه تأثیر منفی دارد» (محبی، ۱۳۸۲:۱۳). پژوهش های متعدد در دنیا، نشان می دهد که بزهکاری نوجوانان - که شاخه ای از آن وندالیسم است - از چند جنبه مهم است. کودکان و نوجوانانی که گرفتار این مسأله اجتماعی می شوند، در اکثر موارد فرصت های جبران ناپذیری را از حیث تحصیل و کار از دست می دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آنها تأثیر فراوان می گذارد و با توجه به پذیرفته نشدن آنان در حلقه های درسی و کاری، قشری مطرود از این گونه افراد به وجود می آید که به نوبه خود مسأله را برای نسل های آینده تشدید می کند و باعث تباهی کودکان و نوجوانان بیشتری می شود (مشکانی، ۱۳۸۳: ۲۴۰). به ویژه آنکه این متغیر، در کشورهای در حال توسعه ای چون کشور ما، اهمیت بیشتری پیدا می کند و روز به روز بر میزان و تنوع آن افزوده می شود. امروزه، آموزش و پرورش محیطی است که افراد جامعه در مسیر زندگی خود آن را تجربه می کنند. معمولاً در این گونه کشورها، با توجه به علل گوناگون، وندالیسم می تواند مانع مهمی در راه رسیدن به توسعه باشد بنابراین هدف کلی این پژوهش، بررسی رفتار وندالیستی (خرابکارانه) و شناخت عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش آن در جامعه دانش آموزی شهر اهواز است.

فرضیه های پژوهش

- بین جنسیت دانش آموزان و رفتارهای وندالیستی تفاوت وجود دارد.
- بین وضعیت تحصیلی دانش آموزان و رفتارهای وندالیستی رابطه وجود دارد.
- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و رفتارهای وندالیستی رابطه وجود دارد.
- بین ارتباط دانش آموزان با افراد بزهکار و رفتارهای وندالیستی رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی قدرتی و رفتارهای وندالیستی رابطه وجود دارد.
- بین احساس بی هنجاری و رفتارهای وندالیستی رابطه وجود دارد.
- بین احساس محرومیت نسبی و رفتارهای وندالیستی رابطه وجود دارد.
- بین احساس انزوای اجتماعی و رفتارهای وندالیستی رابطه وجود دارد.

پیشینه تجربی تحقیق

مروری بر مطالعات داخلی: ابتدا پژوهش ها و مطالعات داخلی صورت گرفته بر مبنای تقدم و تأخر بررسی و ارزیابی خواهد شد و سپس مطالعات خارجی بررسی می شود. این توضیح ضروری است پژوهش هایی که در زمینه بزهکاری و بخصوص خرابکاری جوانان و نوجوانان در ایران صورت گرفته است، محدود و در قالب پایان نامه های دانشجویی است که نتایج آنها نیز به آسانی در دسترس سایر افراد و پژوهشگران قرار نمی گیرد.

در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه شهری جهرم»، متغیر وابسته (وندالیسم)، به سه شیوه موازی عملیاتی گردید و

رابطه آن با متغیرهای مستقل شامل: بی‌هنجاری، بی‌قدرتی، انزوا، تنفر از خویشان و بی‌معنایی و نیز متغیرهایی چون موقعیت اجتماعی-اقتصادی، محرومیت نسبی و وضعیت تحصیلی فرضیه‌سازی و آزمون شد و نتایج تحقیق، کلیه فرضیه‌ها را تأیید کرد (قائم‌فر، ۱۳۸۶). یافته‌های پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز»، نشان می‌دهد جوانانی که با دوستان بزهکار معاشرت داشتند، میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های خرابکارانه افزایش زیادی داشته است. همچنین، نتایج تحقیق ارتباط معناداری را بین متغیرهای دلبستگی و تقیدات خانوادگی جوانان، وجود خانواده‌های نابسامان، افت تحصیلی، و افزایش سن با رفتار خرابکارانه نشان می‌دهد. دیگر نتایج نشان می‌دهد که متغیر نحوه گذراندن اوقات فراغت، ارتباط نیرومندی با رفتار خرابکارانه جوانان دارد. بدین سان، پسران بیشتر از دختران در فعالیت‌های خرابکارانه مشارکت داشته‌اند. متغیر بعد خانوار، ارتباط معناداری با رفتار خرابکارانه‌ی جوانان نشان داده است (نیک اختر، ۱۳۷۸).

جلیلی در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری جوانان شیراز»، با مطالعه بر روی ۱۰۰ نفر از بزهکاران ۱۲ تا ۱۸ سال شیراز، ارتباط معنا داری بین متغیرهای زیر با بزهکاری یافته است: وضعیت تحصیلی، وضعیت شغلی بزهکاران، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، میزان درآمد، شغل پدر، عدم تفاهم خانوادگی، از هم‌گسیختگی خانواده و محل سکونت. همچنین بر اساس این پژوهش، میزان بزهکاری در بین پسران بیشتر از دختران است. بیشترین بزه ارتكابی پسران، سرقت و بیشترین بزه

ارتكابی دختران رابطه نامشروع بوده است. محقق در آخر، چنین نتیجه می‌گیرد که بیشتر اعمال بزهکارانه را افرادی مرتکب شده‌اند که به خانواده‌های نابسامان تعلق داشته‌اند (جلیلی، ۱۳۷۲). هرچند مطالعات و تحقیقاتی که در زمینه خرابکاری علل و عوامل آن در ایران انجام گرفته، محدود است، بیشتر این پژوهش‌ها، مفاهیم نظری متغیرهای عمده و کلیدی پژوهش، تعریف نظری و عملی روشی نداشته‌اند. ضعف این پژوهش‌ها این است که بیشتر فاقد چارچوب نظری مناسب هستند و پراکندگی و آشفتگی زیادی در استفاده از نظریات مختلف در آنها به چشم می‌خورد. بیش تر این تحقیقات بسیار کلی بوده، نتیجه و برآیند حاصل از آنها امر واقعی و کاربردی را نشان نمی‌دهند. در حالیکه تعداد معدودی از تحقیقات به بررسی میزان بزهکاری به صورت مقایسه‌ای در بین دو جنس زنان و مردان پرداخته‌اند.

مروری بر مطالعات خارجی: بال^۱ در پژوهشی با عنوان «کنترل تأثیرات عوامل خانوادگی بر روابط بین جوانانی که در معرض بزهکاری قرار گرفته‌اند»، عقیده دارد که بزهکاری نوجوانان یک مسأله اجتماعی روبه رشد، جدی و پرهزینه در ایالات متحده است. به نظر وی، نوجوانان پسر نسبت به نوجوانان دختر، نسبت بالاتری از انجام جرم و دستگیری را دارا هستند. محقق، سه اثر متعادل‌کننده خانوادگی، شامل حمایت خانوادگی یا حمایت مراقبان^۲، انضباط یا نظارت مراقبان^۳ و کیفیت روابط مراقبان و فرزندان^۴ را بر زندگی بزهکاران مطالعه کرده است. در تحلیل رگرسیونی نیز اهمیت نقش نظارت مراقبان، بیشتر از

¹ Ball

² Familial caregiver support

³ Caregiver discipline supervision

⁴ Caregiver child relationship quality

نیست که دختران تنها در جرایم جزئی درگیر باشند. به نظر کرسول، هیچ ارتباط معناداری بین پسران و دختران در ارتباط با فرار از خانه یافت نشده است (کرسول، ۲۰۰۵). تحقیقات هوبر نشان می دهد که: بالغ بر ۸۰ درصد نوجوانان بزهکار از خانواده های از هم پاشیده برخاسته اند این محقق در تحقیقات خود به این نتایج دست یافته است که تخریب اموال عمومی برای آنان تفریح و هیجان می آورد و در واقع، در مقابل نقش هایی که مبهم تعریف شده اند، اعتراض می کنند و موقعیت های مبهم در ساختار جامعه را مورد تعرض قرار می دهند (هوبر، ۱۹۹۱).

ارزیابی این مطالعات نشان داد که اکثر این پژوهش ها با برنامه ریزی های مدون و از درون مشکلات جامعه برخاسته اند، لذا جنبه کاربردی زیادی دارند. بیشتر تحقیقات خارجی که در زمینه خرابکاری و بطور کلی بزهکاری جوانان صورت گرفته است، معمولاً از چارچوب نظری مدون و مشخصی برخوردارند و کم تر مطالعه ای را می توان پیدا کرد که بدون داشتن چارچوب نظری صورت گرفته باشد. روش تحقیق مناسب و قواعد یک کار تحقیقی جامعه شناختی به خوبی در این مطالعات و تحقیقات مشخص و رعایت شده است؛ به طوری که اعتبار و روایی این تحقیقات را به میزان زیادی بالا برده است. از آمارهای توصیفی و استنباطی در این تحقیقات استفاده شده است. در مورد ضعف های تحقیقات خارجی که در زمینه رفتارهای خرابکارانه انجام گرفته است، باید گفت که به طور کلی، بیشتر این تحقیقات در تحلیل و تبیین رفتارهای بزهکارانه، از یک، دو یا حداکثر چند عامل استفاده کرده اند و کمتر سعی شده است که تبیین چند جانبه و نسبتاً کاملی از رفتارهای خرابکارانه صورت گیرد. این مسأله یکی از

دو اثر دیگر بر بزهکاران بوده است؛ به گونه ای که می توان گفت انضباط و نظارت بیشتر مراقبان با کم شدن بزهکاری عمومی و سرقت اموال رابطه معناداری دارد. به طور کلی، در این پژوهش، به نقش محرک های تنش زا و سن بزهکاری اشاره شده است؛ بدین نحو که این محرک های تنش زا، سن بزهکاری را پایین می آورند (بال، ۲۰۰۵). کرسول^۱ در نقش وابستگی به والدین، پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و روابط منحرف همسالان و مشارکت جوانان در رفتارهای مخاطره آمیز و بزهکاری، مطالعه ای که در میان دانش آموزان آفریقایی - آمریکایی، با نمونه آماری شامل ۲۶۳ پسر و ۲۷۶ دختر و با چارچوب تئوریک نظریه کنترل اجتماعی انجام داد، چنین نتیجه گیری کرد که پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده به وابستگی به والدین ارتباط ندارد. همچنین، به نظر محقق، وابستگی به والدین به رفتارهای مخاطره آمیز ارتباطی نداشته است، اما پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالای خانواده و وابستگی بالای به والدین به کاهش مشارکت جوانان در رفتارها و اعمال مخاطره آمیز و بزهکاری ارتباط معناداری داشته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که درگیر شدن زیاد جوانان در روابط منحرف با همسالان، به مشارکت زیاد آنها در رفتارهای مخاطره آمیز و بزهکاری ارتباط داشته است. در نهایت، مشارکت زیاد جوانان در رفتارهای مخاطره آمیز با بزهکاری ارتباط داشته است. یافته های این پژوهش، نشان دهنده این است که بین بزهکاری پسران و دختران چندان تفاوتی دیده نمی شود. به هر حال، جوانان پسر و دختر در تعداد زیادی از همان نوع رفتارها و فعالیت های بزهکاری شرکت کردند و این نشان می دهد که چنین

^۱ Carswell

نارسایی‌های عمده این پژوهش‌هاست؛ هر چند که با توسعه رویکردهای ترکیبی در تبیین رفتارهای بزهکارانه جوانان در سال‌های اخیر، این نقیصه کمتر به چشم می‌خورد.

دیدگاه نظری پژوهش

در این پژوهش، سعی شده تا از روش ترکیبی؛ یعنی استفاده همه جانبه از نظریات مختلف برای بررسی مسأله یا مشکل تحقیق استفاده شود. بنابراین، نظریه دورکیم و مرتون در بخش نظریه پردازان کل نگر و در بخش نظریه پردازهای خرد نظریه کوهن، کلووارد و اوهلین و میلر با نظریه خرده فرهنگی - ساترلند با نظریه یادگیری افتراقی - سیمن با نظریه بیگانگی و هیرشی با نظریه کنترل اجتماعی؛ که فرضیه‌های تحقیق ما را پوشش می‌داد، استفاده شده است.

نظریه بی‌هنجاری (آنومی)^۱: دورکیم معتقد است که بررسی بزهکاری مانند سایر امور اجتماعی در قلمرو جامعه‌شناسی قرار دارد و اعتقاد دارد که جرم پدیده‌ای طبیعی و اجتماعی است. بنابراین، «بزهکاری تابع عوامل اجتماعی است» (آرون، ۱۳۷۷: ۳۶۷). بی‌هنجاری را می‌توان وضعیتی دانست که در جامعه، هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند. این حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است (کوئن، ۱۳۷۲: ۲۲۱). هرگاه شیرازه نظم اجتماعی از هم گسیخته شود، نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی، کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد. دورکیم این وضعیت را بی‌هنجاری یا آنومی می‌خواند (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۲).

دورکیم معتقد است که جوامع نوین در معرض نابسامانی قرار دارند، زیرا گوناگونی فرهنگی آنان باعث در هم ریختگی هنجارها و ارزش‌ها می‌گردد و مردم بدون خطوط راهنمای اخلاقی روشن، رها می‌شوند. افرادی که در شرایط نابسامانی قرار دارند، فاقد قواعدی برای رفتار هستند، زیرا آنان از انضباط اجتماعی درباره اعمال و خواسته‌های شخصی خود درک اندکی دارند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۱۷۲). راه حل دورکیم نیز برای مسأله کجرفتاری این است که برای از میان رفتن کجرفتاری انحراف‌آمیز باید ساخت تقسیم کار در جامعه اصلاح شود. در واقع، جامعه ایده‌آل مورد نظر او نوعی نظام شایسته‌سالار است که قانون ارثی بودن ثروت هم در آن وجود نداشته باشد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۶۱).

مرتون بین بی‌هنجاری و انحرافات اجتماعی رابطه برقرار می‌کند. او دو عامل عمده را از مشخصات بارز هر جامعه‌ای می‌داند: یکی اهداف قابل پذیرش و دیگری وسایل مورد قبول اجتماعی برای رسیدن به همان اهداف. به نظر وی، آنومی وقتی رخ می‌دهد، که افراد قادر نباشند با وسایلی که جامعه معین کرده است، به اهداف مربوطه دست یابند و عکس‌العمل طبیعی به این وضعیت، روی آوردن به کجروی و انحراف است (شکرریزی، ۱۳۷۶: ۴۳).

اهمیت تئوری مرتون در آن است که او توجه خود را به جنبه‌های اجتماعی کجروی معطوف کرده است، نه شالوده‌های بیولوژیک و فردی آن. بدین ترتیب، وندالیسم نیز، چون همه کژرفتاری‌ها در اندیشه، مرتون در درون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی پدید می‌آید؛ یعنی جامعه از طریق شکاف و نارسایی بین اهداف مقبول خود و روش‌های مقبول رسیدن به آن اهداف، فشار عظیمی را به فرد وارد

^۱ anomie

برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی دچار محرومیت شده اند، لذا آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌سازند و در نتیجه، پاره فرهنگ بزهکار به وجود می‌آید. به این وسیله افراد می‌کوشند تا بر مشکلات خود فائق آیند (کوهن، ۱۹۵۵: ۲۶).

کلوارد^۲ و اوهلین^۳ در نظریه فراوانی فرصت‌های نابرابر در مورد گرایش جوانان به بزهکاری، بر ساختار فرصت مشروع و نامشروع تأکید می‌کنند، که نظریه‌های آنها با عنوان فرصت افتراقی^۴ مشهور است. به نظر آنان، رابطه میان ارزش‌های فرهنگی از یک سو و فرصت‌های مشروع و نامشروع از سوی دیگر، تعیین‌کننده انواع و فراوانی بزهکاری است (اشرف، ۱۳۵۵: ۱۸۸).

میلر در نظریه فرهنگ طبقه پایین استدلال می‌کند که بر اثر پیروی از رفتارهای فرهنگی که در بردارنده عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه پایین است، خود به خود از برخی هنجارهای قانونی انحراف به وجود می‌آید. در عمل، این انحراف به صور و اشکال متفاوتی ظاهر می‌شود و هدف آنها کسب وجهه و شهرت است، زیرا خرده فرهنگ بزهکار، مخالف فرهنگ غالب که فرهنگ طبقه متوسط است؛ عمل می‌کند. وی دو عامل را در گرایش نوجوانان طبقه پایین به بزهکار مؤثر می‌داند: الف) تمایل به تعلق در گروه همسالان ب) موقعیت جوانانی که از طریق هنجارهای گروهی همسالان به مقام و شهرت دست می‌یابند. بدین ترتیب، وندالیسم نیز چون دیگر اشکال بزهکاری در چارچوب عناصر اصلی الگوی کلی

می‌کند و او را به جای همنوایی، به کجروی وادار می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۶-۶۷).

سیمن^۱ در نظریه بیگانگی، از خودبیگانگی را همانند موقعیتی تعریف می‌کند که طی آن فعالیت‌های متفاوت فرد، فاقد هدف واحد بوده، بیشتر به خاطر جبران اقتصادی انجام می‌گیرد. فرد، روی "زمان" تأکید دارد نه "کار"، زیرا علاقه‌ای به کار خود ندارد و به انجام کار در یک زمان مشخص مجبور است (بخارایی، ۱۳۸۶: ۱۳۶). سیمن^۲ معتقد است در جامعه معاصر، ساختار بروکراسی جامعه مدرن اوضاعی را ایجاد کرده است، که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه‌ای است، که فرد نمی‌تواند ارتباطی بین رفتار خود و پاداش اخذ شده از جامعه برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد مستولی شده، او را به کنشی منفصلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

کوهن در نظریه ناکامی منزلتی به مطالعه جوانان در محیط طبیعی زندگی توجه می‌کند که جرایم آنان از سه جهت با بزرگسالان متفاوت است؛ هر چند که این تفاوت‌ها، همه جرایم جوانان را شامل نمی‌شود. چنین تفاوت‌هایی عبارتند از، غیر مادی بودن، توأم با کینه جویی و خشم و نفی هنجارهای اجتماعی (سخاوت، ۱۳۸۳: ۷۴ و ۷۵). فرض اصلی کوهن بر این است که فرد منحرف و بزهکار و کجرو، آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته‌اند، ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی

² Richard Cloward

³ Lloyd Ohlin

⁴ Clifferential opportunity

¹ m. Seeman

فرهنگ طبقه پایین قابل فهم و شناخت است. (احمدی، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۶)

ادوین ساترلند در نظریه یادگیری یا همنشینی افتراقی بر این باور بود که رفتار انحرافی در مصاحبت و معاشرت با هم‌نویان در طول یک جریان جامعه‌پذیری طغیان، تخطی از هنجارها را آموخته، به سوی رفتار انحرافی کشیده خواهند شد. این که فرد با چه کسی پیوند ایجاد کرده، تا حد زیادی تعیین‌کننده نحوه رفتار فرد خواهد بود. به عبارتی، ارتباط با قانون شکنان و هنجار شکنان فرد را منحرف ساخته، عوامل تعدد، شدت، تواتر دوره، نسبت تماس‌ها و سن افراد تماس‌گیرنده در این کار به شدت تأثیرگذار است. بنابراین، فرض اساسی ساترلند این است، که رفتار انحرافی در اثر همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. بنابراین ساترلند در نظریه فراوانی معاشرت کوشش می‌کند، تا نشان دهد جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی واقع می‌گردد. بنابراین، در نظریه ساترلند، مسأله یادگیری در محیط اجتماعی آلوده به فساد مطرح می‌شود و موضوع خرده فرهنگ‌های گوناگون در شهر مورد توجه قرار می‌گیرد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۰).

بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، کجروی و انحراف ناشی از ضعف گسستگی تعلق فرد به جامعه است. که بر اثر کنترل و نظارت به وجود می‌آید. کنترل اجتماعی، تداوم فرآیند جامعه‌پذیری است. در جامعه‌پذیری، معیارهای جامعه به فرد یاد داده می‌شوند. سپس از طریق مکانیسم کنترل اجتماعی نظارت دایمی بر رفتار فرد صورت می‌گیرد تا افراد مطابق آن معیارها رفتار کنند و در صورت تخلف تنبیه می‌شوند. به عبارتی دیگر، جامعه‌پذیری موجب هم‌نوایی می‌گردد؛ یعنی جامعه‌پذیری نوعی هم‌نوایی

اختیاری داوطلبانه است، اما وقتی هم‌نوایی به طور اختیاری داوطلبانه صورت نگیرد، ساخت کارهای کنترل اجتماعی برای انتقال و تحمیل و اجرای هنجارها و انتظارات اجتماعی به کار می‌رود (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

چارچوب نظری منتخب: از طریق چارچوب نظری می‌توان مشخص کرد که بر روی چه نکاتی باید تأکید و چگونه پدیده مورد نظر را مطالعه کرد (لهسایی زاده، ۱۳۸۳: ۲۳). به نظر می‌رسد که هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند به طور کامل، همه جرایم و بزهکاری‌ها را تبیین نماید. هر نظریه‌ای بر جنبه‌های متفاوتی از جرم و بزهکاری تأکید نموده و جنبه‌ای دیگر را انکار کرده است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). بنابراین، لازم است برخلاف برخی از پژوهش‌ها، چندین دیدگاه مختلف (روش ترکیبی) را بررسی نمود تا تمامی ابعاد پدیده واکاوی شود. بنابراین، آنچه در نظریه‌ها و تحقیقات مربوط به جرم و بزهکاری مهم است، درک بهتر از چگونگی گسترش جرم و بزهکاری و چگونگی دوام و استمرار رفتار جنایی و بزهکارانه در دوره کوتاهی از زمان یا برای همیشه است. در این‌جا، به نظر می‌رسد که راه رسیدن به این هدف، کوشش برای آمیختن نظریه‌های موجود است که بر توانایی‌های نسبی یکدیگر بنا شده‌اند و توانایی تبیین خود را افزایش می‌دهند (همان، ۱۳۲). برای متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی، نظریه‌ای که بهترین تبیین را از این متغیر می‌دهد، تئوری میلر، با عنوان فرهنگ طبقه پایین است که در استخراج این متغیر بیشتر به این تئوری توجه شد (احمدی، ۱۳۸۴). همچنین، از آنجا که یکی از شاخص‌های متغیر فوق، درآمد است؛ این متغیر می‌تواند به‌طور غیر مستقیم از تئوری مرتون استخراج شود. همچنین، از آنجا که یکی از

در برابر جامعه طغیان می‌کند. این متغیر را سیمن نیز به تفصیل توضیح داده، و بیان کرده است که این متغیر نیز یکی از برداشتها از مفهوم از خود بیگانگی است. همچنین نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز می‌تواند در این خصوص مورد استفاده قرار گیرد. متغیر احساس محرومیت نسبی که از تئوری مرتون قابل استخراج است، شخصی که دچار احساس محرومیت نسبی است، وقتی اهداف فرهنگی، چیزی را به عنوان مناسب برای وی تعریف می‌کند، اما وی نمی‌تواند به آن دست یابد، به نوآوری دست می‌زند. این متغیر، در تئوری کوهن نیز به چشم می‌خورد. اصطلاح «ناکامی منزلتی» کوهن، می‌تواند، بخشی از احساس محرومیت نسبی باشد. همین‌طور می‌توان گفت، که این متغیر از تئوری کلووارد و اوهلین نیز قابل استخراج است. وقتی کلووارد و اوهلین به شرایط نابرابر در جامعه برای دستیابی به فرصت‌ها اشاره، بدان معناست، که افراد جامعه در این شرایط دچار احساس محرومیت نسبی می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۴). مفهوم متغیر احساس انزوای اجتماعی، را مستقیماً می‌توان در تئوری مرتون با نام‌های طغیان و کناره‌گیری یافت؛ بدین نحو که اگر فرد اهداف و ابزار را نمی‌پذیرد و خود نیز اهداف و وسایل رسیدن به اهداف را جایگزین نمی‌کند، عزلت‌گراست و چنانچه اهداف و وسایل رسیدن به اهداف را جایگزین کند، طغیانگر است (ستوده، ۱۳۸۰). با این حال، کوهن را نیز می‌توان صاحب‌نظر دیگری دانست، که می‌توان از نظریه وی این متغیر را استخراج کرد. همان‌گونه که گفته شد، کوهن عقیده داشت که یکی از خصوصیات بزهکاری جوانان، ایجاد لذت است (کوهن، ۱۹۶۹). بدیهی است که وقتی فردی احساس انزوا می‌کند، سعی دارد این احساس را از خود دور کند. یکی از این اقدامات، ارتکاب عمل انحرافی، برای

شاخص‌های این متغیر محله مسکونی فرد است، می‌تواند به‌طور غیر مستقیم، تئوری شاو و مک کی را متبادر سازد. تئوری کلووارد و اوهلین نیز در این میان می‌تواند این متغیر را در برگیرند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳ و احمدی، ۱۳۸۴).

متغیر چهارم ارتباط دانش آموز با افراد بزهکار است که تأثیر گروه بر فرد را با تئوری گروه مرجع مرتون می‌توان سنجید. به نظر مرتون گروه مرجع می‌تواند در تولید اجتماع و یکنواختی و یا تشدید آرزو و درخواست برای تحریک اجتماعی - عمودی مؤثر افتد (تهایی، ۱۳۷۹: ۲۱۳). همچنین این متغیر را می‌توان براساس نظریه میلر و تئوری مشارکت افتراقی ساترلند نیز بررسی کرد. و هومنز و پیتز بلو که صاحبان نظریه مبادله اجتماعی می‌باشند؛ نیز در این خصوص تئوری ارائه نموده‌اند. همچنین پایگاه اجتماعی و اقتصادی را می‌توان بر اساس نظریات طبقات اقتصادی مارکس و نظریات زیمل بررسی کرد. متغیر احساس بی‌قدرتی در تئوری مرتون نیز به گونه‌ای بدان اشاره شده است. حالت کناره‌گیری، همان حالتی است، که می‌توان آنرا کناره‌جویی نام گذاشت، زیرا کناره‌جویی، زمانی رخ می‌دهد، که فرد در درجه اول احساس کند، هیچ کاری از دست او ساخته نیست (ستوده، ۱۳۸۰). بر این اساس، وقتی فردی احساس بی‌قدرتی می‌کند، برای جبران آن به یکی از آن سه خرده‌فرهنگی که کلووارد و اوهلین به آن اشاره داشتند، رجوع می‌کند. در مورد متغیر احساس بی‌هنجاری، مهمترین صاحب‌نظری که بر این متغیر توجه داشته، امیل دورکیم است. احساس بی‌هنجاری؛ یعنی فرد هنجارهای جامعه را نمی‌پذیرد (رفیع‌پور، ۱۳۸۰). در تئوری مرتون، بی‌هنجاری یا هنگامی رخ می‌دهد، که فرد از جامعه کناره‌گیری، یا

جمعیت آماری همه دانش‌آموزان پسر و دختر مقطع متوسطه ناحیه دو شهر اهواز است که تعداد آنها در سال تحصیلی ۹۰-۸۹؛ ۱۷۰۵۴ نفر بود. در این تحقیق برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. بر این اساس، نمونه آماری ۳۷۶ نفر تعیین شد که با توجه به تعداد دانش‌آموزان هر مدرسه و نسبت آن به کل دانش‌آموزان، به همان نسبت تعداد نمونه به آن مدرسه تعلق گرفت و همین طبقه بندی در مورد پایه تحصیلی و جنسیت دانش‌آموزان نیز اعمال شد.

ابزار و روش گردآوری اطلاعات: ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه است. در این پژوهش، ابزار تحقیق (پرسشنامه) شامل چهار بخش: ۱- سؤال‌های مربوط به مشخصات دانش‌آموزان و پرسش‌های مربوط به فرضیه‌های وضعیت تحصیلی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی (سن، پایه تحصیلی، معدل سال گذشته، شغل والدین، وضعیت منزل مسکونی، تحصیلات والدین، میزان درآمد خانواده، نوع خودرو و ...) است؛ ۲- پرسش‌های مربوط به فرضیه‌های ارتباط با افراد بزهکار، احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌هنجاری، احساس محرومیت نسبی و احساس انزوای اجتماعی، شامل سی سؤال بسته پاسخ پنج گزینه‌ای در طیف لیکرت است؛ ۳- پرسش‌هایی در مورد سنجش نگرش نسبت به متغیر وابسته رفتار وندالیستی)، شامل هشت سؤال بسته پاسخ پنج گزینه‌ای است؛ ۴- پرسش‌هایی در مورد ارتکاب و عمل به رفتار وندالیستی شامل سیزده سؤال بسته پاسخ پنج گزینه‌ای است

اعتبار^۲ و پایایی^۳: در محاسبه اعتبار تحقیق،

ایجاد شادی و یا کسب لذت است. همچنین، از آنجایی که این متغیر، یکی از پنج متغیر سیمین در توضیح برداشت‌های مختلف مفهوم از خودبیگانگی است، همانگونه که بیان شد، به عنوان یک متغیر در این پژوهش در نظر گرفته شد. در این کار پژوهشی، همان طور که در قبل گفته شد، سعی شده است از روش ترکیبی؛ یعنی استفاده همه جانبه از نظریات مختلف برای بررسی همه جانبه مسأله یا مشکل تحقیق استفاده گردد.

به نظر می‌رسد که هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند به‌طور کامل، همه جرایم و بزهکاری‌ها را تبیین نماید. هر نظریه‌ای بر جنبه‌های متفاوتی از جرم و بزهکاری تأکید نموده و جنبه‌ای دیگر را مورد انکار قرار داده است (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). بنابراین، لازم می‌نماید برخلاف برخی از پژوهش‌ها چندین دیدگاه مختلف (روش ترکیبی) را بررسی نموده تا تمامی ابعاد پدیده مورد واکاوی قرار گیرد. بنابراین، آنچه در نظریه‌ها و تحقیقات مربوط به جرم و بزهکاری مهم است، درک بهتر از چگونگی گسترش جرم و بزهکاری و چگونگی دوام و استمرار رفتار جنایی و بزهکارانه در دوره کوتاهی از زمان یا برای همیشه است. در این‌جا، به نظر می‌رسد، که راه رسیدن به این هدف، تلاش برای آمیختن نظریه‌های موجود است، که بر توانایی‌های نسبی یکدیگر بنا شده‌اند و توانایی تبیینی خود را افزایش می‌دهند (همان منبع، ۱۳۲).

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و تکنیک به کار گرفته شده، مشاهده و پرسشنامه بوده، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای^۱ استفاده شده است.

^۱ Stratified random sampling

^۲ Validity

^۳ Reliability

مقدار تأثیر هر واحد تغییر در متغیر مستقل را بر متغیر وابسته تعیین کرد.

یافته ها

مطابق با داده‌های اجتماعی - جمعیت شناختی، حدود ۵۵ درصد آزمودنی‌ها در پسر و حدود ۴۴ درصد دختر بوده اند. حدود ۳۸ درصد آزمودنی‌ها پایه اول، حدود ۳۱ درصد آزمودنی‌ها در پایه دوم و ۳۱ درصد پایه سوم بوده اند. در بین پسران ۴۰ درصد از پایه اول و ۲۸ درصد از پایه دوم و ۳۲ درصد از پایه سوم انتخاب شده و از بین دختران ۳۶ درصد از پایه اول و ۳۰ درصد از پایه دوم و ۳۴ درصد از پایه سوم انتخاب شده اند، که متناسب با جامعه واقعی است. شدت گرایش نسبت به رفتار وندالیستی در پسران بیشتر از دختران است. در بین پسران ۳۱/۵ درصد و در بین دختران به ۳۳/۴ درصد می‌رسد، ولی پراکندگی این مقدار (انحراف استاندارد در دختران $sd = 7/95$ و در پسران به $sd = 6/85$ است) در دختران بیشتر است. شدت رفتار وندالیستی در پسران بیشتر از دختران است: در پسران $44/7$ و در دختران به $43/2$ می‌رسد، ولی پراکندگی این مقدار (انحراف استاندارد در دختران $sd = 7/64$ و در پسران به $sd = 6/54$ است) در دختران بیشتر است.

از ابزار مورد استفاده وندال‌ها، ابزار نوشتاری پرکاربردترین وسیله و پس از آن مداد و خودکار و تراشیدن با وسایل تیز در رتبه‌های بعدی بوده کمترین کاربرد به ماژیک و اسپری اختصاص داشته است. در کل $68/6$ درصد آزمودنی‌ها از این ابزار استفاده کرده اند. در نزد پسران وندال؛ ابزار نوشتاری پر کاربردتر تراشیدن با وسایل تیز با $22/6$ درصد و سپس مداد و خودکار با 25 درصد و کمترین کاربرد ماژیک و اسپری با $10/1$ درصد بوده است و در کل

سؤال اصلی که محقق برای خود مطرح می‌کند، چنین است: آیا شاخص در حال اندازه‌گیری درست آن چیزی هست که در اندیشه اندازه‌گیری آن است؟ (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۳۸). در این تحقیق، برای سنجش اعتبار از اعتبار صوری^۱ استفاده شده است. بنابراین، از دو دسته گویه استفاده شد: یک دسته از گویه‌ها از تحقیقات قبلی استفاده شده است (قائمی فر، ۱۳۸۶) که برخی از گویه‌ها تغییر داده شد؛ و دسته دیگر گویه‌هایی است که اعتبار صوری آنها از داوران تأیید و آزمون شده است.

برای سنجش پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ^۲ استفاده شده است. برای برآورد پایایی تعداد ۵۰ پرسشنامه در مرحله پیش آزمون استفاده شد و نتیجه آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای ارتباط دانش آموز با افراد بزهکار $0/77$ ، احساس بی‌قدرتی $0/81$ ، احساس بی‌هنجاری $0/75$ ، احساس محرومیت نسبی $0/76$ ، احساس انزوای اجتماعی $0/85$ ، و متغیر وابسته $0/89$ بوده، که در نتیجه، مقدار ضریب آلفا بالاتر از $0/75$ ، در سطح $\alpha = 0/05$ درصد، معنادار بوده است.

روش‌های آماری: تجزیه و تحلیل آماری داده‌های این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است و در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. یافته‌های توصیفی در برگیرنده اطلاعاتی در خصوص تعداد آزمودنی‌ها و سؤال‌های پرسشنامه از لحاظ درصد و فراوانی، میانگین، واریانس و انحراف استاندارد بوده، و از آمار استنباطی آزمون t استودنت نمونه‌های مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. با تحلیل رگرسیون، می‌توان

¹ Face validity

² Cronbach's Alpha

بوده است. حدود ۴۸ درصد؛ دختران یعنی تقریباً نیمی از آنان هم هرگز مرتکب این عمل نشده‌اند. آسیب رساندن به اموال مدرسه در چه زمانی بیشتر صورت می‌گیرد در کل پاسخگویان زمان آسیب‌رسانی را بیشتر در زنگ تفریح ۲۳/۸ و سپس زمان برگزاری جشن‌ها و مراسم ۲۲/۵ دانسته‌اند. پسران پاسخگو زمان آسیب‌رسانی را بیشتر در زمان برگزاری جشن‌ها و مراسم و سپس زنگ تفریح دانسته‌اند. دختران زمان آسیب‌رسانی را بیشتر در زنگ تفریح و سپس زنگ بیکاری و زمان برگزاری جشن‌ها و مراسم دانسته‌اند. برای بررسی بین جنسیت دانش‌آموزان و رفتار وندالیستی تفاوت وجود دارد. بر حسب فرضیه نخست: داده‌ها با استفاده از آزمون t تحلیل گردید. نتایج تحلیل با مقدار: ($P < 0/05$; $t_{(376)} = -2/452$)، نشان داد که بین میانگین‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار میانگین در گروه پسران، از میانگین بالاتری برخوردار است.

۳۰/۸ درصد پسران هرگز مرتکب این عمل نشده‌اند. همچنین، نزد دختران وندال ابزار نوشتاری پر کاربردتر؛ مداد و خودکار با ۴۵ درصد بوده است که تقریباً نیمی از آنان را دربر می‌گیرد و کمترین کاربرد؛ تراشیدن با وسایل تیز بوده است. در کل ۳۲/۱ درصد دختران هرگز مرتکب این عمل نشده‌اند. بیشترین ابزار تخریبی مورد استفاده وندال‌ها؛ به ترتیب ابتدا وسایل موجود در محل ۱۷/۳ درصد و سپس استفاده از ضربه‌بندی ۱۷/۰ درصد و در نهایت، ابزار تیز و برنده ۱۰/۴ درصد و استفاده از جسم سخت ۹/۸ درصد بوده است. ابزار تخریبی مورد استفاده پسران وندال؛ ابتدا استفاده از ضربه‌بندی با ۲۲/۶ درصد و سپس وسایل موجود در محل ۱۳/۵ درصد و در نهایت ابزار تیز و برنده و استفاده از سنگ و ... بوده است. حدود ۴۳ درصد پسران هرگز مرتکب این عمل نشده‌اند. بیشترین ابزار تخریبی مورد استفاده دختران وندال؛ وسایل موجود در محل با ۲۲ درصد

جدول شماره ۱- آزمون t متغیر شدت گرایش به رفتار وندالیستی با توجه به جنسیت

جنسیت	فراوانی	میانگین شدت گرایش به رفتار وندالیستی	درجه آزادی	مقدار T	سطح معناداری
دختر	۱۶۸	۳۱/۵	۳۷۴	-۲/۴۵۲	۰/۰۱۵*
پسر	۲۰۸	۳۳/۴			

در جدول ۲ همان‌گونه که نشان داده شده است، تفاوت بین میانگین شدت رفتار وندالیستی بین پسران و دختران، با مقدار: ($P < 0/05$ ، $t_{(376)} = 2/081$)، در سطح ۰/۰۵ درصد معنی‌دار است.

جدول شماره ۲- آزمون t متغیر شدت رفتار وندالیستی با توجه به جنسیت

جنسیت	فراوانی	میانگین شدت رفتار وندالیستی	درجه آزادی	مقدار T	سطح معناداری
دختر	۱۶۸	۴۳/۲	۳۷۴	-۲/۰۸۱	۰/۰۳۸*
پسر	۲۰۸	۴۴/۷			

همبستگی به عمل به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/405$ است، که بیانگر رابطه مستقیم بین آنهاست. برای بررسی رابطه بین احساس بی هنجاری و ابعاد رفتارهای وندالیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی برای رابطه احساس بی هنجاری و گرایش به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/378$ و همبستگی به عمل به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/362$ ، بیانگر رابطه مستقیم بین آنهاست. برای بررسی رابطه بین احساس محرومیت نسبی و ابعاد رفتارهای وندالیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی برای رابطه احساس محرومیت نسبی و گرایش به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/390$ و همبستگی به عمل به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/324$ ، بیانگر رابطه مستقیم بین آنهاست. برای بررسی رابطه بین احساس انزوای اجتماعی و ابعاد رفتارهای وندالیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی برای رابطه متغیر احساس انزوای اجتماعی با گرایش به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/386$ و همبستگی به عمل به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/389$ ، که بیانگر رابطه مستقیم بین آنهاست. یعنی هر چه احساس انزوای اجتماعی بیشتر باشد، میزان رفتارهای وندالیستی نیز بیشتر خواهد بود.

برای بررسی رابطه بین وضعیت تحصیلی دانش آموزان و ابعاد رفتارهای وندالیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی بین وضعیت تحصیلی و گرایش به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = -0/555$ و ضریب همبستگی بین وضعیت تحصیلی و عمل به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = -0/516$ ، نشان داد که رابطه معکوس و نسبتاً قوی بین آنها وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه وضعیت تحصیلی دانش آموزان بهتر باشد، رفتارهای وندالیستی کمتری در بین آنها مشاهده می شود، و بر عکس. برای بررسی رابطه بین ارتباط دانش آموزان با افراد بزهکار و ابعاد رفتارهای وندالیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی ارتباط دانش آموزان با افراد بزهکار و رفتار وندالیستی رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی با گرایش به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/01)$ ؛ $r = 0/173$ ، و همبستگی ارتباط دانش آموزان با افراد بزهکار با عمل به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/408$ ، رابطه معناداری وجود دارد. پس بر این اساس، هر چه فرد با افراد بزهکار رابطه بیشتری داشته باشد، در عمل به رفتار وندالیستی نقش بیشتری دارد. برای بررسی رابطه بین احساس بی قدرتی و ابعاد رفتارهای وندالیستی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی برای رابطه احساس بی قدرتی و گرایش به رفتار وندالیستی با مقدار: $(p < 0/001)$ ؛ $r = 0/351$ و

جدول شماره ۳- شاخص همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با متغیر وندالیسم با توجه به دو مقیاس به کار گرفته شده

برای سنجش آن

متغیر مستقل	متغیر وابسته (وندالیسم)	همبستگی	سطح معنی داری
وضعیت تحصیلی	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۵۵۵	۰/۰۰۰***
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۵۱۶	۰/۰۰۰***
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	مقیاس مبتنی بر گرایش	-۰/۴۲۳	۰/۰۰۰***
	مقیاس مبتنی بر عمل	-۰/۳۵۸	۰/۰۰۰***
ارتباط دانش آموزان با افراد	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۱۷۳	۰/۰۰۱**
بزهکار	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۴۰۸	۰/۰۰۰***
احساس بی قدرتی	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۵۱	۰/۰۰۰***
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰***
احساس بی هنجاری	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۷۸	۰/۰۰۰***
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۳۶۲	۰/۰۰۰***
احساس محرومیت نسبی	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰***
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۳۲۴	۰/۰۰۰***
احساس انزوای اجتماعی	مقیاس مبتنی بر گرایش	۰/۳۸۹	۰/۰۰۰***
	مقیاس مبتنی بر عمل	۰/۳۸۹	۰/۰۰۰***

* P < ۰/۰۵؛ ** P < ۰/۰۱؛ *** P < ۰/۰۰۱

معادله رگرسیونی پیش بینی میزان گرایش به رفتار

وندالیستی

برای ساختن معادله رگرسیونی پیش بینی میزان شدت گرایش به رفتار وندالیستی، متغیرهایی که در سطح فاصله ای و دارای رابطه با متغیر وابسته بوده اند، به عنوان متغیر مستقل و میزان شدت گرایش به رفتار وندالیستی به عنوان متغیر وابسته وارد شدند. بررسی نتایج به دست آمده در جدول ۴ بیانگر آن است که معادله پیش بینی شدت گرایش به رفتار وندالیستی می‌تواند ۰/۴۰۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی کند، که این مطلب را R^2 به ما نشان

می‌دهد.

مقدار R یا همبستگی بین مقادیری که به وسیله معادله پیش بینی می‌شوند و مقادیر واقعی که وجود دارد؛ یا به عبارت دیگر ۰/۶۳۷ درصد مقادیری که پیش بینی می‌شود، با مقادیر واقعی یکسان هستند. با توجه به سطح معناداری به دست آمده مقادیر در سطح بالاتر از ۰/۹۹ درصد از لحاظ آماری معنادار هستند. از آنجایی که مدل پژوهش، توانسته است با استفاده از هفت متغیر وضعیت تحصیلی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارتباط با افراد بزهکار، احساس بی قدرتی، احساس محرومیت نسبی، احساس انزوای اجتماعی و

احساس بی هنجاری، ۰/۴۰۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی کند، می توان گفت از قدرت پیش بینی خوبی برخوردار است.

جدول شماره ۴- تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره شدت گرایش به رفتار وندالیستی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
رگرسیون باقی مانده	۷	۸۳۷۴/۸۹۷	۱۱۹۶/۴۱۴		
خطا	۳۶۸	۱۲۲۴۳/۶۵۶	۳۳/۲۷۱	۳۵/۹۶۰	۰/۰۰۰***
کل	۳۷۵	۲۰۶۱۸/۵۵۳			

R^2	R
۰/۴۰۶	۰/۶۳۷

رابطه رگرسیونی بین متغیر وابسته و متغیرهای

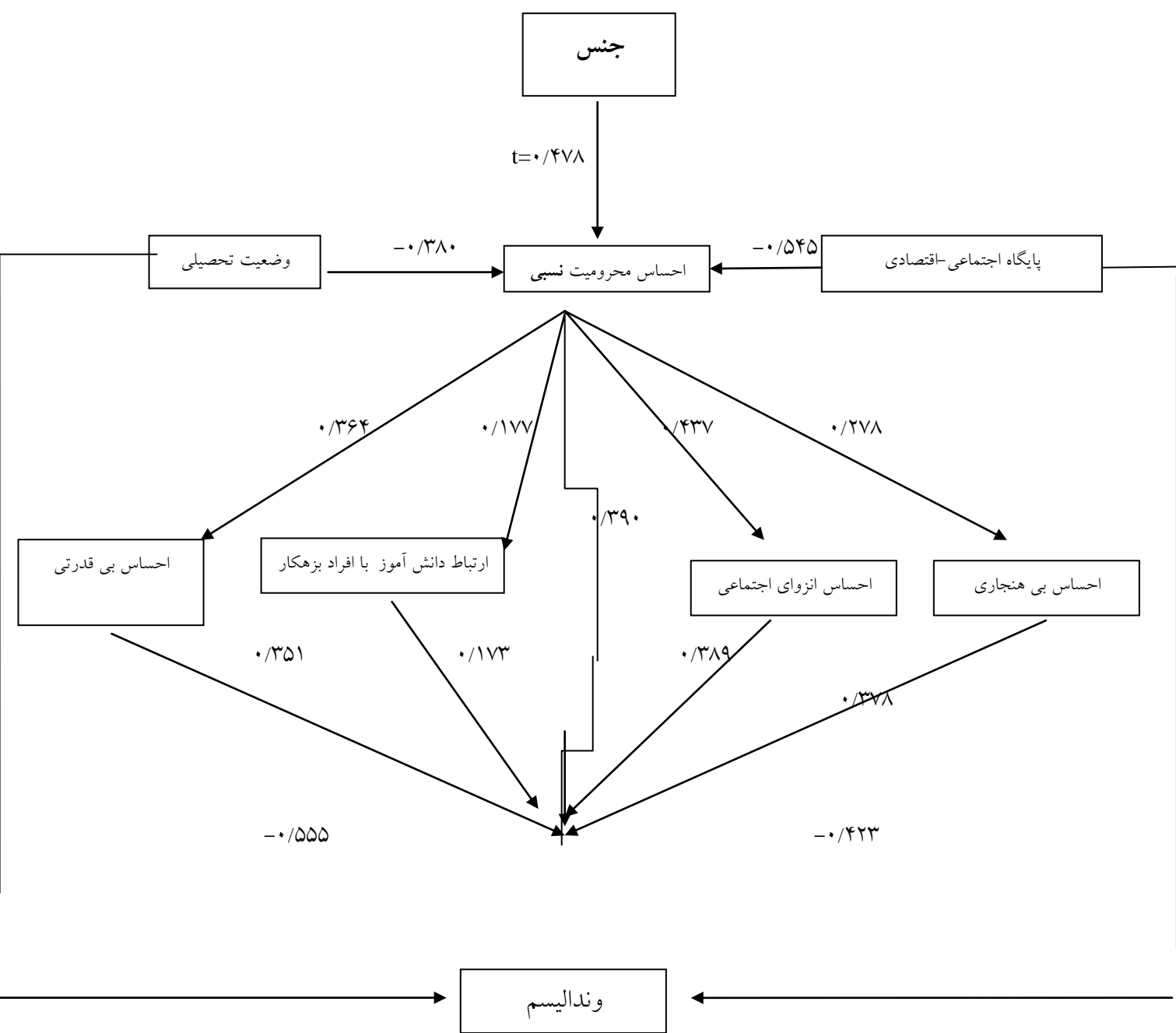
مستقل

برای روشن شدن این نکته که آیا در روابط دیده شده میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، همان روابط مورد نظر است، لازم است تا برای خالص سازی رابطه یک متغیر مستقل و متغیر وابسته دیگر، متغیرهای مستقل ثابت نگه داشته شوند و از آنجایی که این تحقیق از نوع تحقیق های پس از وقوع (شبه آزمایشی) است، از کنترل آماری استفاده می شود. "منظور از کنترل آماری این است که، شخص برای تشخیص و تفکیک و یا کنار گذاشتن قسمتی از واریانس متغیر وابسته، که به ظاهر از یک یا چند متغیر مستقل خارج از رابطه خاص یا روابط تحت بررسی ناشی می شود، از روش های آماری استفاده کند. در مواردی که تأثیرات مشترک و متقابل دو یا چند متغیر مستقل بر متغیر وابسته تحت بررسی است، کنترل آماری از اهمیت ویژه ای برخوردار است (کرلینجر و

پدهازور، ۱۳۶۶: ۱۱۴). ابتدا می بینیم که تفاوت احساس محرومیت نسبی از نظر جنسی با آزمون t معنادار نشده است. در رابطه رگرسیونی که احساس محرومیت نسبی متغیر وابسته و وضعیت تحصیلی متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی ۰/۳۸۰- به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که احساس محرومیت نسبی متغیر وابسته و پایگاه اجتماعی-اقتصادی متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی ۰/۵۴۵- به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که احساس محرومیت نسبی متغیر مستقل و احساس بی هنجاری متغیر وابسته است، ضریب رگرسیونی ۰/۲۷۸ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که احساس محرومیت نسبی متغیر مستقل و احساس انزوای اجتماعی متغیر وابسته است، ضریب رگرسیونی ۰/۴۸۷ به دست آمده است که در

سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که احساس محرومیت نسبی متغیر مستقل و ارتباط دانش آموز با افراد بزهکار متغیر وابسته است، ضریب رگرسیونی $0/177$ به دست آمده است که در سطح ۵ درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که احساس محرومیت نسبی متغیر مستقل و احساس بی قدرتی متغیر وابسته است، ضریب رگرسیونی $0/364$ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که شدت گرایش به رفتار وندالیستی متغیر وابسته و وضعیت تحصیلی متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی $-0/555$ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که شدت گرایش به رفتار وندالیستی متغیر وابسته و پایگاه اجتماعی-اقتصادی متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی $-0/423$ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که شدت گرایش به رفتار وندالیستی متغیر وابسته و احساس بی هنجاری متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی $0/378$ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که

شدت گرایش به رفتار وندالیستی متغیر وابسته و احساس انزوای اجتماعی متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی $0/389$ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که شدت گرایش به رفتار وندالیستی متغیر وابسته و ارتباط دانش آموز با افراد بزهکار متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی $0/173$ به دست آمده است که در سطح ۵ درصد معنادار شده است. در رابطه رگرسیونی که شدت گرایش به رفتار وندالیستی متغیر وابسته و احساس بی قدرتی متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی $0/351$ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. در پایان رابطه رگرسیونی که شدت گرایش به رفتار وندالیستی متغیر وابسته و احساس محرومیت نسبی متغیر مستقل است، ضریب رگرسیونی $0/390$ به دست آمده است که در سطح یک درصد معنادار شده است. شایان ذکر است که این رابطه‌های رگرسیونی بین هر دو متغیر با ثابت نگه داشتن تأثیر سایر متغیرها به دست آمده است و این رابطه‌ها را می‌توان در نمودار تحلیل مسیر مشاهده کرد.



نمودار تحلیل مسیر با استفاده از ضرایب استاندارد رگرسیونی (بتاها)

نتیجه گیری

یکی از نهادهای مهمی که مسؤولیت تعلیم و تربیت اجتماعی نوجوانان جامعه را بر عهده دارد، آموزش و پرورش است.؛ به گونه ای که در صورت بروز برخی آسیب‌ها، خود می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در

شکل‌گیری و تداوم انواع رفتاری‌های اخلاقی و اجتماعی باشد (شامبیاتی، ۱۳۷۵ : ۱۰۶). مدارس امروزی بخش عمده جامعه‌پذیری نوجوانان را که قبلاً به عهده خانواده‌ها بود، به عهده دارند. بررسی علل و عوامل مؤثر بر رفتارهای نابهنجار در مدرسه و اریه

داد که نوجوانان پسر نسبت به نوجوانان دختر، نسبت بالاتری از انجام جرم و دستگیری را دارا هستند. (به نقل از قائمی فر، ۱۳۸۶) در مورد فرضیه دوم، این پژوهش بیان کننده این است که بین وضعیت تحصیلی دانش آموزان و حرکات وندالیستی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج حاصل این فرضیه را تأیید کرد؛ به گونه ای که ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وضعیت تحصیلی و حرکات وندالیستی معادل ۰/۵۵۵- در گرایش و ۰/۵۱۶- در عمل به دست آمد. این ضریب در سطح ۰/۰۱ معنادار شد. رابطه این دو متغیر قوی و معکوس است؛ به گونه ای که هر چه وضعیت تحصیلی دانش آموز بهتر باشد، حرکات وندالیستی کمتری از خود بروز می دهد و برعکس، دانش آموزانی که از نظر تحصیلی وضعیت بدی دارند، به مراتب حرکات وندالیستی بیشتری از خود نشان می دهند.

در مورد متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی، این فرضیه مورد قبول اکثر محققان است که طبقات اقتصادی- اجتماعی پایین، میزان بیش تری از رفتارهای غیر قانونی را نسبت به طبقات متوسط و بالا مرتکب می شوند و تأیید کننده نتایج کسب شده در این پژوهش است. به عبارت دیگر، هر چه فرد از پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین تری برخوردار باشد، گرایش به رفتار وندالیستی در او بیشتر است. در این تحقیق پایگاه اجتماعی- اقتصادی به وسیله شاخص های تحصیلات پدر و مادر، میزان درآمد خانوار، شغل پدر و مادر، وضعیت مسکن و نوع خودرو سنجیده شد. مقدار ضریب همبستگی به گرایش به رفتار وندالیستی ۰/۴۲۳- و همبستگی به عمل به رفتار وندالیستی ۰/۳۵۸- بوده که در سطح ۰/۰۱ معنادار شده است.

راهکار جهت ترمیم آن اهمیت اساسی دارد (قائمی فر، ۱۳۸۶ : ۱۴۶). بنابراین، در این پژوهش، مدرسه به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شد تا عواملی که در بروز رفتار وندالیستی در بین دانش آموزان دختر و پسر دبیرستانی؛ یعنی سنین نوجوانی و جوانی مؤثرند، بررسی گردد. نتایج در این تحقیق نشان داد که هم در گرایش به رفتار وندالیستی و هم در شدت اعمال وندالیستی تفاوت میان دختران و پسران تفاوت بین میانگین ها به لحاظ آماری در سطح ۰/۰۵ معنادار است. این نتیجه دور از انتظار نیست، زیرا پسران از آزادی نسبی بیشتری نسبت به دختران برخوردارند و در مقابل رفتارهای وندالیستی احتمالاً کمتر از دختران مورد مؤاخذه قرار می گیرند. در ضمن نتایج به دست آمده حاکی از آن است که دختران بیشتر به رفتارهای وندالیستی خفیف که خسارت های چندانی نیز به بار نمی آورد؛ مانند نوشتن یادگاری روی میز و نیمکت می پردازند. این در حالی است که پسران به حرکات وندالیستی با شدت بیشتری مانند تراشیدن با وسایل تیز و یا شکستن میز و نیمکت و در و پنجره ها می پردازند که خسارت زیادی به دنبال دارد. یافته های این پژوهش با نتایج کسب شده به وسیله جلیلی (۱۳۷۲)، نیک اختر (۱۳۷۸) و قائمی فر (۱۳۸۶) همخوانی دارد. محدودیت دختران نسبت به پسران فقط از ویژگی های جامعه ایران نیست؛ بلکه این امر در اکثر جوامع وجود دارد. برای مثال در تحقیقی که بنسون در آمریکای مرکزی با عنوان "خشونت و خرابکاری جوانان" انجام داد، به این نتیجه رسید که مردان به طور معناداری بیشتر از زنان در اعمال خشونت و خرابکاری مشارکت داشته اند. بال نیز در تحقیق خود در ایالات متحده نشان

متغیر ششم احساس بی‌هنجاری است. احساس بی‌هنجاری نیز، به نظر سیمن یکی از ابعاد یا معانی از خودبیگانگی است. البته، بیشتر در مباحث دورکیم درباره بی‌هنجاری بحث می‌شود و به وضعیتی اشاره دارد که فرد هنجارهای جامعه را نمی‌پذیرد. مرتون نیز به وضعیت بی‌هنجاری اشاره می‌کند. این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که فرد راه مقبول رسیدن به هدف را مسدود می‌داند بنابراین، راهی را انتخاب می‌کند، که جامعه آن را نفی کرده است. این حالت نیز به نظر سیمن یکی از معانی احساس از خودبیگانگی است. بنابراین، احساس بی‌هنجاری نیز به عنوان یک متغیر برای تبیین وندالیسم در نظر گرفته شد. نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت بین این متغیر با هر دو شیوه عملیاتی شده متغیر وابسته یا وندالیسم است و در هر حالت رابطه در سطح $0/01$ معنادار است.

احساس محرومیت نسبی متغیر هفتم است که با هر دو شیوه عملیاتی شده متغیر وابسته، یعنی وندالیسم رابطه دارد و در سطح $0/01$ معنادار شده است. وقتی فرد احساس محرومیت می‌کند، احتمالاً به خشونت روی می‌آورد، چون احساس می‌کند، جامعه در مقابل توزیع امکانات، ناعادلانه عمل کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد، به میزانی که فرد احساس محرومیت بیشتری می‌کند، گرایش به رفتار وندالیستی و همچنین، شدت رفتار وندالیستی نیز در او بیشتر است. رضانی نیز در تحقیق خود از متغیرهای احساس ناکامی یا احساس محرومیت نسبی و احساس تبعیض در تبیین وندالیسم استفاده کرده و رابطه معناداری بین این متغیرها و وندالیسم یافته است. نتیجه به دست آمده در پژوهش قائمی فر نیز این رابطه را تأیید کرده است.

نتایج نشان داد که پایگاه اقتصادی- اجتماعی دانش‌آموزان، رابطه معکوس با وندالیسم دارد. نتایج تحقیق جلیلی (۱۳۷۲)، محسنی تبریزی (۱۳۷۴) و قائمی فر (۱۳۸۶) که نمونه‌های تحقیقات داخلی هستند و همچنین نتایج کسب شده توسط کرسول (۲۰۰۵) با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد؛ بدین معنا که تحقیقات مذکور وجود رابطه معنادار و معکوسی را بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و رفتار انحرافی تأیید می‌کنند. در این پژوهش متغیر چهارم ارتباط دانش‌آموزان با افراد بزهکار است، که با هر دو شیوه عملیاتی شده متغیر وابسته؛ یعنی وندالیسم رابطه دارد. مقدار ضریب همبستگی برای رابطه متغیر ارتباط دانش‌آموزان با افراد بزهکار و متغیر شدت گرایش به رفتار وندالیستی مساوی $0/173$ است و این ضریب برای رابطه این متغیر با متغیر شدت رفتار وندالیستی، $0/408$ است که در سطح $0/01$ معنادار است. تأثیر گروه بر فرد را با تئوری گروه مرجع مرتون، می‌توان سنجید. به نظر مرتون گروه مرجع می‌تواند در تولید اجتماع و یکنواختی و یا تشدید آرزو و درخواست برای تحریک اجتماعی- عمودی مؤثر افتد (تنهایی، ۱۳۷۹: ۲۱۳). یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق نیک اختر (۱۳۷۸) همخوانی دارد.

احساس بی‌قدرتی، به عنوان متغیر پنجم با هر دو شیوه عملیاتی شده متغیر وندالیسم، رابطه معناداری دارد و در هر دو مورد رابطه آن‌ها، در سطح $0/01$ معنادار است. این بدین معنا است که به میزانی که فرد احساس می‌کند هیچ‌گونه قدرتی در برابر نیروهای اجتماعی ندارد، یا احساس بی‌قدرتی می‌کند، گرایش نسبت به رفتار وندالیستی در او بیشتر است.

احساس انزوای اجتماعی نیز به عنوان آخرین متغیر، یکی از وضعیت‌های ناشی از عدم تطابق وسایل و اهداف از نظر مرتون است. این فرضیه نیز در سطح ۰/۰۱ معنادار شده است. مرتون معتقد است، وقتی فرد هم اهداف فرهنگی پذیرفته شده و هم وسایل رسیدن به این اهداف را رد می‌کند، انزوا را پیشه می‌کند. کوهن نیز معتقد است، وقتی فرد دچار احساس انزوا می‌شود، سعی می‌کند، این احساس را از خود دور کند، بنابراین، به رفتار انحرافی برای کسب لذت و شادی روی می‌آورد. کوهن در اثر مشهور خود با عنوان "پسران بزهکار" می‌نویسد: "شرارت و خرابکاری اموال (رفتار وندالیستی) که عموماً توسط نوجوانان در مکان‌های عمومی و یا در خلوت صورت می‌گیرد، نه دارای هدف، نه نظم و نه دارای علت مشخص و آشکاری است" (کوهن، ۱۹۵۵: ۱۸۵). بنابراین، به نظر می‌رسد، فرد خرابکار، از انجام رفتار وندالیستی به دنبال کسب منفعت نیست، بلکه می‌خواهد از اینکه دچار ناکامی منزلتی شده است، به نوعی از جامعه انتقام بگیرد و یا کسب لذت کند. در واقع، پاره فرهنگ بزهکار به وی منزلت داده و نیز خشونت را مجاز می‌شمارد (قائمی فر، ۱۳۸۶: ۱۵۱). در تحقیق حاضر با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر احساس انزوای اجتماعی و دو مقیاس شدت گرایش به وندالیسم و میزان رفتارهای وندالیستی رابطه معناداری مشاهده شده است؛ یعنی فرض صفر که مبنی بر عدم رابطه است، رد می‌شود.

پیشنهادها: این تحقیق یک بررسی مقدماتی برای تعیین برخی عوامل مؤثر بر وندالیسم است. تأکید محقق در تحقیق حاضر بر متغیرهای

جنسیت، وضعیت تحصیلی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارتباط دانش آموز با افراد بزهکار، احساس بی‌قدرتی، احساس محرومیت نسبی و احساس انزوای اجتماعی است؛ در حالی که مسلماً متغیرهای بسیار دیگری می‌توانند مبین وندالیسم باشند که بررسی آنها نیازمند تحقیقات گسترده‌تر و جامع‌تر است.

پیشنهادهای قابل ارایه دیگر به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- ایجاد زمینه برای شناخت هرچه بهتر قانون و آموزش آن برای افراد در ساده‌ترین شکل؛
- برنامه ریزی نهادهای فرهنگی و اجتماعی و رسانه‌ها برای کاهش سطح احساس محرومیت، ناامنی و بی‌عدالتی اجتماعی؛
- ایجاد فضای گفتمانی در سطح نهادهای مدرسه به منظور تقویت روحیه نقدپذیری و بالا بردن مهارت‌های گفتمانی، احترام و به رسمیت شناختن عقاید دیگران؛
- توجه به ساختار خانواده و اجرای سیاست‌های حمایت از خانواده.

توصیه‌هایی برای کاهش رفتار وندالیستی

- افزایش مقاومت و استحکام وسایل مورد استفاده در آموزشگاه (مثل میز و نیمکت)؛
- بازسازی، اصلاح و تعمیر فوری وسایل خراب شده؛ ایجاد و تأسیس مراکز تحقیق و پیشگیری از وندالیسم؛ جریمه و بازخواست فوری فرد وندالیست؛ تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان؛ توجه بیشتر به خواسته‌ها و

۷- بهرامی مهنه، ف. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم نوجوانان و جوانان (۲۴-۱۵) سال در حاشیه شهر مشهد (مورد کاوی کیوسک های تلفن)، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.

۸- تنهائی، ا. (۱۳۷۹). مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، چاپ چهارم، مشهد: نشر مرنديز.

۹- جلیلی، م. (۱۳۷۲). بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، بخش برنامه ریزی و جامعه شناسی.

۱۰- خواجه نوری، ب. (۱۳۷۶). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.

۱۱- رابرتسون، ی. (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه های کارکرد گرائی، ستیز، کنش متقابل نمادی)، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دهم.

۱۲- رفیع پور، ف. (۱۳۷۸). کندوکاوها و پنداشته ها، مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۳- رمضان، ن. (۱۳۷۵). عوامل مؤثر بر پیدایش رفتار های وندالیستی در میان برخی پسران ۸ تا ۱۶ سال ساکن مناطق حاشیه خطوط راه آهن در جنوب شهر تهران، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات واحد تهران مرکز.

۱۴- ساروخانی، ب. (۱۳۸۰). روش های تحقیق در علوم اجتماعی، بینش ها و فنون، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۵- ستوده، ه. (۱۳۸۰). آسیب شناسی اجتماعی

نیازهای جوانان از طرف خانواده و مسؤولان مدرسه؛ توجه هر چه بیشتر مسؤولان مدرسه به شکایات، نظرها و انتقادات دانش آموزان؛ زیبا سازی محیط آموزشگاه؛ ایجاد روحیه مشارکت و مسؤولیت پذیری در دانش آموزان؛ تقویت شورای دانش آموزی و استفاده از خود دانش آموزان در کنترل و رفع این معضل در آموزشگاه؛ ایجاد تعامل مثبت با اولیای دانش آموزان به منظور ایجاد تأثیر مثبت خانواده بر دانش آموز.

منابع

۱- آرون، ر. (۱۳۷۷). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.

۲- احمدی، ح. (۱۳۷۷). نظریه های انحرافات اجتماعی، شیراز: انتشارات زر.

۳- احمدی شاپور آبادی، ا. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر در کجرفتاری و ارتباط آن با نوع جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۴- بیبی، ا. (۱۳۸۸). روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

۵- بخارایی، ا. (۱۳۸۶). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات پژوهاک جامعه.

۶- براتی، ع. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر میزان گرایش دانش آموزان دختر و پسر دبیرستان های شهر ایذه به رفتارهای وندالیستی، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شوشتر.

- (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۱۶- ستوده، ه. ا. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ بیستم.
- ۱۷- سخاوت، جعفر. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی انحراف اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۸- شامبیاتی، ه. (۱۳۷۵). بزهدکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات ویستار، چاپ ششم.
- ۱۹- شکر ریزی، ز. (۱۳۷۶). وندالیسم (تخریب آگاهانه اموال عمومی)، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات تهران مرکز.
- ۲۰- عبدالمهدی، م. (۱۳۸۳). آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد یکم، تهران: موسسه انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- ۲۱- فرجاد، م.ج. (۱۳۷۵). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات بدر، چاپ هفتم.
- ۲۲- قائمی فر، ح. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم با تأکید بر جامعه شهری جهرم، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۲۳- کرد زنگنه، م. (۱۳۸۱). بررسی رابطه برخی پیشایندهای اجتماعی با آنومی در بین دانش‌آموزان متوسط شهر رامهرمز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- ۲۴- کرلینجر و پدهاوزر. (۱۳۶۶). رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سرایی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۵- کوئن، ب. (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۶- کوزر، ل و روزنبرگ، ب. (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشد، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۲۷- محبی، ح. (۱۳۸۲). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به عنوان مقدمه رفتار بزهدکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان زرین‌دشت، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۲۸- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۶۷). مبانی نظری و تجربی وندالیسم، نامه علوم اجتماعی، ش ۷، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۹- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۷۰). بیگانگی، نامه علوم اجتماعی، ش ۲، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۰- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۷۴). بررسی وندالیسم در مناطق بیست‌گانه تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران.
- ۳۱- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۸۳). وندالیسم، تهران: انتشارات آن.
- ۳۲- محمدی بلبان آباد، ا. (۱۳۸۴). سنجش میزان وندالیسم و بررسی عوامل فردی و اجتماعی مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان ناحیه یک مقطع متوسطه شهر سنندج، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- ۳۳- مرتون، ر.ک. (۱۳۸۵). مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه نوین تولایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- ۳۴- مشکانی، م و مشکانی، ز. (۱۳۸۳). سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهدکاری، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳۵- ممتاز، ف. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۳۶- موسوی بهبید، س. ب. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره پیاپی (۴۷)، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱

- 42-Clarke . R . G.(1991) . Taking vandalism
Ahome iffice Research unit Report , London.
- 43-Clinard ,m and meier, R.(1975).
Sociologyof Devian bharior newyork Holt Rine
hart and Winston.
- 44-Cohen, A. (1955). Delinquency Boys, The
culture of the gang New York: The Free
Press .
- 45-Hagan ,J ,a and Gorty ,B.(1992). Street
lifand Delinqueny British younal of souolog
yro 14 , No Pecomber.
- 46-Merton, R.(1968). Social Theory and Social
Structure, New York: Free Press.
- 47-McCorry, T. (2005). Parental control,
gender and delinquency in patriarchal and non
– patriarchal households: a qualitative
assessment, dissertation PhD, state university
of New York at Buffalo.
- 48-Miller,d .(1969). Hand book of Research
Desiyn and social Measurement, P.David
Mekey.
- 49-Nachmias. D .(1976). Research method in
social sciences. Arnold.
- 50-Shaw ,C and mckay.(1992). yuren hill
Deling uency andurban Areas Chicago.
- شناختی عوامل مؤثر بر وندالیسم در بین دانش آموزان
پسر مقطع راهنمایی ناحیه ۴ اهواز، رساله کارشناسی
ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
۳۷- نبوی، س، ع. (۱۳۷۴). بررسی عوامل اجتماعی-
اقتصادی مؤثر در شیوع جرائم در جامعه شهری اهواز،
پایان نامه دکتری گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
۳۸- نیک اختر، ع . (۱۳۷۸). بررسی عوامل اجتماعی-
اقتصادی مؤثر بر خرابکاری به عنوان نوعی رفتار
بزهکارانه در بین دانش آموزان دبیرستان های شیراز،
رساله کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- 39-Ball, J. (2005). The moderating effect of
family factors on the relationship between
lifetime trauma event exposure and juvenile
delinquency in a sample of male juvenile
offenders, dissertation PhD, Georgia State
University.
- 40-Carswell, S. B. (2005). Pathways to
delinquency: the role of parental attachment,
family socioeconomic status, and deviant peer
relationship in risk behaviors and delinquency
among urban African – American middle
school students, dissertation PhD, The
American University.
- 41-Creswell, J .(2002). Research Design,
Qualitative, Quantitative and Mixed Methods
Approaches, London: Lincoln.